یادداشت

علی‌حسن حیدری

وحدت ساحات قدرت راهبرد پیروزی در نبرد ترکیبی

جمهوری اسلامی ایران امروز درگیر یک نبرد ترکیبی و چندلایه است. دشمن نیز با همه ظرفیت‌های خود وارد میدان شده است. از تحریم اقتصادی و فشار سیاسی گرفته تا تهدید نظامی، عملیات رسانه‌ای، جنگ شناختی، آشوب‌سازی و جنگ روانی. در چنین شرایطی، خطای راهبردی آن است که هر میدان را جدا از میدان‌های دیگر ببینیم. واقعیت آن است که جمهوری اسلامی در چهار میدان به‌هم‌پیوسته در حال نبرد است؛ میدان نظامی، میدان دیپلماسی، میدان مردم و میدان خدمت. رمز موفقیت نیز در وحدت این ساحات و هم‌افزایی میان آنهاست.

نخستین میدان، میدان نظامی است. این میدان ستون اصلی بازدارندگی و امنیت ملی است. دشمن زمانی از جنگ فاصله می‌گیرد که از هزینه‌های آن هراس داشته باشد. قدرت دفاعی، قدرت موشکی، توان رزمی و آمادگی نیروهای مسلح، نه برای جنگ‌طلبی بلکه برای جلوگیری از جنگ ضروری است. تاریخ معاصر منطقه نشان داده است که هر کشوری از قدرت دفاعی محروم شد، به میدان مداخله بیگانگان تبدیل شد. بنابراین میدان نظامی، موتور پیشران قدرت ملی و ضامن استقلال کشور است.

اما قدرت نظامی زمانی به دستاورد پایدار تبدیل می‌شود که در عرصه سیاسی و حقوقی تثبیت گردد. این وظیفه میدان دیپلماسی است. دیپلماسی در منطق انقلاب اسلامی، نقطه مقابل مقاومت نیست، بلکه ادامه مقاومت با ابزار سیاسی است. همان‌گونه که رزمنده در میدان از حقوق ملت دفاع می‌کند، دیپلمات نیز در پشت میز مذاکره از همان حقوق دفاع می‌کند. اگر میدان، پشتوانه دیپلماسی نباشد، مذاکره به امتیازدهی تبدیل می‌شود و اگر دیپلماسی نباشد، بخشی از دستاوردهای میدان هدر خواهد رفت. از این رو میدان و دیپلماسی دو رقیب نیستند؛ دو بازوی یک اقتدار واحد هستند. یکی قدرت تولید می‌کند و دیگری آن را تثبیت و بهره‌برداری می‌کند.

سومین میدان، میدان مردم است. هیچ قدرتی بدون مردم پایدار نمی‌ماند. دشمن نیز این واقعیت را بهتر از هر کسی می‌داند. به همین دلیل تلاش می‌کند از طریق جنگ شناختی، عملیات رسانه‌ای و ایجاد شکاف‌های اجتماعی، مردم را از صحنه خارج کند. حضور مردم در خیابان، در انتخابات، در صحنه‌های ملی و در عرصه دفاع از کشور، بزرگ‌ترین سرمایه راهبردی جمهوری اسلامی است. ملت ایران بارها ثابت کرده است که هرگاه پای استقلال، امنیت و عزت کشور در میان باشد، اختلاف سلیقه‌ها را کنار گذاشته و در کنار یکدیگر می‌ایستد. همین سرمایه اجتماعی است که محاسبات دشمن را بر هم می‌زند و پروژه آشوب و بی‌ثبات‌سازی را ناکام می‌گذارد.

اما همه این میدان‌ها برای هدفی بزرگ‌تر فعال هستند و آن میدان خدمت است. مردم امنیت را برای رفاه، پیشرفت و آبادانی می‌خواهند. قدرت نظامی، دیپلماسی فعال و حضور مردمی زمانی ارزش پیدا می‌کند که به حل مشکلات کشور، رشد اقتصادی، افزایش رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی مردم منجر شود. خدمت به مردم، نقطه اتصال امنیت، اقتدار و مشروعیت است. هرچه کارآمدی نظام در خدمت‌رسانی بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و قدرت ملی تقویت می‌شود.

در کنار این چهار میدان، یک اصل راهبردی نیز وجود دارد که نباید از آن غفلت کرد؛ «وحدت ساحات جبهه مقاومت». دشمن در نبرد ترکیبی میان عرصه‌های مختلف تفکیک قائل نیست. او همزمان از فشار نظامی، تحریم اقتصادی، جنگ رسانه‌ای و عملیات شناختی استفاده می‌کند. بنابراین جبهه مقاومت نیز باید با منطق وحدت ساحات عمل کند. میدان نظامی، دیپلماسی، رسانه، افکار عمومی، اقتصاد و خدمت‌رسانی باید مکمل یکدیگر باشند. هرگونه دوگانه‌سازی میان میدان و دیپلماسی، میان امنیت و معیشت، میان مقاومت و خدمت، در واقع کمک به راهبرد دشمن است. پیروزی زمانی حاصل می‌شود که همه ظرفیت‌ها در یک جهت و برای یک هدف به کار گرفته شوند.

امروز مهم‌ترین نیاز کشور، حفظ همین وحدت راهبردی است. وحدت میان میدان و دیپلماسی. وحدت میان مردم و مسئولان. وحدت میان امنیت و پیشرفت. وحدت میان مقاومت و خدمت. در چنین منظومه‌ای، قدرت نظامی بازدارندگی می‌آفریند، دیپلماسی دستاوردها را تثبیت می‌کند، مردم پشتوانه اقتدار ملی می‌شوند و خدمت، ثمره این اقتدار را به زندگی مردم منتقل می‌کند. این همان راهبردی است که می‌تواند ایران را در برابر پیچیده‌ترین نبردهای ترکیبی نیز پیروز و سربلند نگه دارد.

گزیده خبر

نماینده جنبش جهاد اسلامی در ایران:

ایران با «عملیات نصر» معادلات جدید منطقه را ترسیم کرد

پاسخ سریع، مستقیم و قاطع جمهوری اسلامی ایران به جنایات رژیم صهیونیستی در لبنان یک ضربه بزرگ به اسرائیل بود و مانع از تحمیل معادلات جدید این رژیم بر منطقه شد.

«ناصر ابوشریف»، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران در گفت‌وگو با دفاع‌پرس، به تحلیل پاسخ نظامی اخیر جمهوری اسلامی ایران به شرارت‌های مکرر رژیم صهیونیستی در لبنان پرداخت و این اقدام را بسیار سریع، مستقیم و کاملاً واضح توصیف کرد و با اشاره به گمانه‌زنی‌های پیش از حمله اظهار داشت: برخی از تحلیلگران تصور می‌کردند که ایران وارد عمل نخواهد شد، اما ما با شناختی که از اندیشه راهبردی حاکم بر ایران داریم، می‌دانستیم که تهران هرگز به تل‌آویو اجازه ترسیم و تحمیل معادلات جدید در منطقه را نخواهد داد.

ابوشریف حمله به ضاحیه بیروت را تلاشی مجدد برای محک زدن واکنش تهران دانست و تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران با وارد آوردن یک ضربه بزرگ در عملیات نصر، نه تنها پاسخ قاطعی به این اقدام داد، بلکه عملاً مانع از آن شد که اسرائیل براساس منویات خود، قواعد بازی را تغییر دهد. نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران تأکید کرد: ایران به جهانیان ثابت کرد که اکنون این تهران است که معادلات جدید را ترسیم و تحمیل می‌کند و این اسرائیل است که باید عقب‌نشینی کند. وی در ادامه به بدعهدی‌های مکرر رژیم صهیونیستی در آتش‌بس‌های گذشته اشاره کرد و گفت: نباید فراموش کنیم که اسرائیلی‌ها چندین بار نارو زده‌اند. در غزه شاهد دو مرحله توافق آتش‌بس بودیم که بخش اول آن اصلاً اجرا نشد و اکنون نیز هر روز نقض می‌شود. در لبنان نیز با گذشت ۱۵ ماه، اسرائیل به طور مداوم توافق آتش‌بس را زیر پا می‌گذارد. نکته قابل تأمل اینجاست که کشورهایی مانند مصر، ترکیه، اندونزی، عربستان و امارات از این آتش‌بس حمایت و حتی ضمانت کردند، اما رژیم صهیونیستی بدون هیچ اعتنایی، ۷۰ درصد غزه را همچنان در اشغال دارد و حتی حداقل مفاد توافق را هم اجرا نکرده است. ابوشریف با اشاره به نقش امریکا در تحولات اخیر، تلاش واشینگتن برای آرام‌سازی اوضاع و عدم افتادن در دام سناریوی اسرائیل برای تحریک ایران را مورد ارزیابی قرار داد و تصریح کرد: ایران با درک کامل از این بدعهدی‌ها، این‌بار با اقدام قاطع خود مانع از تکرار بازی اسرائیل برای تغییر قواعد منطقه شد. نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران با اشاره به همزمانی این تحولات با مذاکرات ایران و امریکا گفت: حمله ایران باعث شد تا دوباره حساب دست امریکا بیاید و محاسبات خود را بازبینی کند. کاخ سفید از مدت‌ها پیش در حال تجدید نظر در رویکرد خود بود، اما اکنون به درستی دریافته است که بهترین راه برای حفظ منافعش در منطقه، مهار رژیم صهیونیستی و پایان دادن به درگیری با ایران است.

باب‌المندب، مخمصه‌ای که امریکا برای خود ساخت

تحلیل

فاطمه بصیری

اکنون مقاومت یمن در موضعی قوی‌تر قرار دارد و موقعیت کنونی آن، گذر از لایه بازدارندگی به لایه تهاجمی علیه امریکا و اسرائیل است. این تحول، بیانگر ضعف راهبردی امریکا در دفع حملات از سوی یمن حتی با وجود بمباران گسترده می‌باشد

از صادرات انرژی و تجارت دریایی جهان را حمل می‌کنند و حدود یک‌چهارم تا یک‌سوم کل نفت دریایی جهان با گذر از این دو مکان جابه‌جا می‌شوند. در نتیجه هرگونه اختلال پایدار می‌تواند در سراسر زنجیره‌های تأمین جهانی، بازارهای انرژی و امنیت بین‌المللی بازتاب یابد و شوک دوم بزرگی به کشتیرانی جهانی وارد کند. می‌توان گفت، اهمیت آن به حدی است که حتی تحولات مرتبط با جیبوتی و سومالی‌لند و مداخلات سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی و امریکا در این مناطق هم به مدیریت این تنگه راهبردی ارتباط دارد. اهمیت استراتژیک این تنگه، به‌ویژه برای رژیم صهیونیستی بعد از عملیات بازدارنده مقاومت یمن در آب‌های دریای سرخ و هدف قرار دادن کشتی‌ها با مقصد رژیم صهیونیستی پس از هفتم اکتبر خود را نشان داد. طبق داده‌های موجود در حال حاضر، بندر ایلات یا همان ام‌الرشرش محاصره شده و هزینه تأمین کالا از مسیرهای جایگزین ۳۰۰ درصد افزایش یافته است. همزمان، اقتصاد اسرائیل پس از ۸۰ روز جنگ و انقباض ۳/۳ درصد با تورم و کسری بودجه (از ۲ درصد به بالای ۷ درصد و احتمالاً ۱۰ درصد) مواجه شده است.

از این‌رو، مسدود کردن باب‌المندب یک عملیات صرفاً نظامی نیست و فراتر از آن محاسبه جدیدی از معادلات قدرت در غرب آسیاست. ایران و سایر گروه‌های مقاومت ثابت کرده‌اند که امنیت انرژی و تجارت جهانی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن منافع و امنیت ملت‌های منطقه تضمین کرد.

بر همین اساس، هرگونه تحرک متجاوزانه و تشدید تنش از سوی امریکا و رژیم صهیونیستی بیشتر از آنکه به نفع آنها باشد، آنها را در مقابل یک چالش جدیدتر و عمیق‌تر قرار می‌دهد و پیامدهای جنگ را بدتر از گذشته برای آنها ایجاد خواهد کرد. همانطور که امریکا اکنون پس از گذشت بیش از دو ماه و با استفاده از تمام ظرفیت‌های سیاسی، نظامی و بین‌المللی نتوانسته کوچک‌ترین موفقیتی برای خروج از مخمصه تنگه هرمز رقم بزند، اکنون با ورود تنگه باب‌المندب به معادله، این ناتوانی به سطحی کاملاً تازه و خطرناک‌تر صعود کرده است. در واقع، بن‌بست در یک جبهه، قدرت مانور امریکا را در جبهه دیگر به شدت کاهش داده و با ایجاد یک شکست تاریخی، زنجیره شکست راهبردی امریکا را شکل داده است.

بعد از حملات فراگیر رژیم صهیونیستی به لبنان، ایران و جبهه مقاومت دامنه معادله قدرت خود را گسترش دادند. در واقع هرگونه تشدید تنش از سوی متجاوزان امریکایی و صهیونیستی منجر به تقویت قوا و هم‌افزایی و در نتیجه ایجاد جبهه‌های جدید مانند بسته شدن تنگه هرمز علیه آنها شده و بر عواقب ناشی از جنگ افزوده است.

هم‌راستا با حملات ایران به عمق سرزمین‌های اشغالی، نیروهای مسلح یمن با انتشار بیانیه‌ای و تأکید بر «وحدت میدان‌ها»، صراحتاً اعلام کردند که با بستن تنگه باب‌المندب به روی کشتی‌های مرتبط با اسرائیل و آمادگی برای پاسخ به هرگونه اقدام نظامی با اسرائیل مقابله خواهند کرد.

علاوه بر آن، انصارالله اعلام کرد یک موج از حملات موشکی را به سوی اهداف حساس رژیم صهیونیستی در منطقه یافا در فلسطین اشغالی شلیک کرده‌اند.

علاوه بر آن، حزب‌الله عراق با صدور بیانیه‌ای هشدار داد در صورت دخالت امریکا در درگیری‌های جاری میان ایران و اسرائیل، پایگاه‌ها و منافع ایالات متحده در عراق و منطقه را هدف قرار خواهد داد.

اعلام انسجام از سوی گروه‌های مقاومت با گسترش جبهه‌های جدیدی چون بسته شدن باب‌المندب علیه رژیم اسرائیل و امریکا، نتیجه معکوس تمام راهبردها و تجاوزات مرگبار بوده و یک شکست راهبردی محسوب می‌شود. وحدت میادین که یکدستاورد راهبردی برای مقاومت است، نشان‌دهنده هماهنگی بالای میدانی و وجود یک «اتاق عملیات مشترک» برای تعیین «یک راهبرد کلان منطقه‌ای» بین اعضای مقاومت می‌باشد.

در همین راستا، قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته از این راهبرد پرده برداشت و با اعلام اینکه «از تنگه هرمز تا باب‌المندب و از خلیج فارس تا دریای سرخ کمربند امنیتی جدید مقاومت خواهد بود» به رژیم صهیونی و امریکا هشدار داد: «رزمندگان بدون مرز مشرف بر گلوگاه‌های عبور شما هستند، به تعرض ادامه دهید، گلوی شما را خواهند گرفت.»

ورود رسمی کنترل و مدیریت تنگه باب‌المندب و دریای سرخ به معادلات قدرت منطقه، نه تنها یک چالش اقتصادی و امنیتی برای رژیم صهیونیستی ایجاد می‌کند، بلکه فراتر از آن با افزودن یک میدان عملیاتی جدید و همبسته بودن با حملات سایر گروه‌های مقاومت، اثری عمیق‌تر و تأثیرگذارتر بر روند جنگ داشته باشد. برخی تحلیل‌های غربی بر این باورند که تهدید یمن برای بستن باب‌المندب به دلیل آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی اروپا و ضعف حضور نظامی مستقیم غرب در منطقه، همزمان با بسته بودن تنگه هرمز بسیار حیاتی است.

در کنار این موارد، استقلال عملیاتی و تسلیحاتی گروه‌های مقاومت به‌ویژه مقاومت یمن، تهدید و معضل مضاعفی برای امریکا به وجود آورده است. برخی تحلیلگران مانند اپیریل الی از واشینگتن معتقدند تصمیم نهایی برای ورود به جنگ در یمن گرفته می‌شود، نه در تهران که نشان از عاملیت مستقل این گروه نیز دارد. بر همین اساس، با وجود آنکه تنگه باب‌المندب هزاران کیلومتر با تنگه هرمز فاصله دارد، اما مقاومت یمن می‌تواند به طور بالقوه و مستقل از توانایی خود برای مختل کردن تردد دریایی و در نهایت اقتصاد جهانی با ایجاد شوک به بازار انرژی استفاده کند.

مقاومت یمن نواحی وسیعی از خط ساحلی غربی یمن مشرف بر دریای سرخ را در کنترل دارند و بارها توانایی خود را در هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری و نظامی با استفاده از موشک‌های ضدکشتی، پهپادها، مین‌های دریایی و قایق‌های مملو از مواد منفجره نشان داده‌اند.

در نتیجه، این موقعیت جغرافیایی آنها را قادر می‌سازد تا بر یکی از مهم‌ترین گریدورهای کشتیرانی جهان فشار وارد کنند و این تنگه را به ابزاری ژئوپلیتیکی قدرتمند در جنگ منطقه‌ای و فشار مضاعف به امریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل کنند، به‌ویژه که مقاومت یمن پیشتر در جنگ مستقیم امریکا پیروز بیرون آمد و این کشور پس از یک عملیات گسترده و بمباران مناطق وسیعی از خاک یمن نتوانست به اهدافش دست پیدا کند. در نهایت، امریکا که با هزینه‌های سرسام‌آور، کارزار نظامی ناکارآمد و نبود راهکار مناسب برای خروج از این مخمصه روبه‌رو شده بود، مجبور به عقب‌نشینی و پذیرش آتش‌بس شد.

بنابراین، اکنون مقاومت یمن در موضعی قوی‌تر قرار دارد و موقعیت کنونی آن، گذر از لایه بازدارندگی به لایه تهاجمی علیه امریکا و اسرائیل است. این تحول، بیانگر ضعف راهبردی امریکا در دفع حملات از سوی یمن حتی با وجود بمباران گسترده می‌باشد.

اهمیت استراتژیک باب‌المندب

یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی راهبردی جهان محسوب می‌شود. این تنگه حلقه اتصال حیاتی میان دریای سرخ و خلیج عدن بوده و کانال سوئز را به اقیانوس هند متصل می‌کند.

اهمیت این گذرگاه به اندازه‌ای است که حتی رسانه‌ها و مراکز مطالعاتی غربی نیز بارها درباره نقش تعیین‌کننده یمن در امنیت دریایی جهان هشدار داده‌اند.

باب‌المندب به عنوان دروازه جنوبی مسیر تجارت دریایی اروپا- آسیا عمل می‌کند. تقریباً تمام شناورهایی که از طریق کانال سوئز میان اروپا و آسیا تردد می‌کنند، باید از این مسیر باریک عبور کنند. تخمین‌زده می‌شود سالانه ۱۰ تا ۱۲ درصد از تجارت دریایی جهان از این تنگه عبور می‌کند. این آبراه و تنگه هرمز با هم سهم قابل توجهی

حقوقی

در نخستین جلسه ستاد بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی

میناب و لامرد، پرونده سیاه حقوق بشر امریکایی را قطور کرد

جنایت‌های امریکا در غزه، ضاحیه، ایران و میناب باید محکوم شود و باید بپذیریم که به واسطه همین جنایت‌ها، مسئولیت‌های امروز ما سنگین‌تر شده است و باید به خوبی این جنایات را تبیین کنیم.

به گزارش مهر، ابراهیم عزیزی، رئیس ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی صبح دیروز در نخستین جلسه ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی اظهار کرد: شهدای گرانقدر هفتم تیر، به‌ویژه آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش، در یک لحظه به شهادت رسیدند، اما عارفانه جاودانه شدند.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه گفت: در راستای انجام وظایف و تکالیف دینی، اعتقادی، انقلابی و مسئولیت‌های خود، لازم است در هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی بر عنوان و فلسفه این هفته تمرکز ویژه‌ای داشته باشیم.

رئیس ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی ادامه داد: بنا نداریم بر چارچوب‌های نظام پوسیده سازمان‌های بین‌المللی تکیه کنیم، بلکه باید تمرکز اصلی خودمان را بر افشای حقوق بشر امریکایی و عملکرد کشوری بگذاریم که خود را مدعی حقوق بشر معرفی می‌کند. عزیزی تأکید کرد: امروز امریکایی‌ها رسوای تاریخ هستند و باید پرده از جنایات آنها برداشت و ابعاد این اقدامات را برای افکار عمومی جهان تبیین کرد. وی افزود: آنچه هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی امسال را نسبت به سال‌های گذشته متفاوت کرده، جنایات اخیر امریکایی‌ها از ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴ تاکنون است؛ از جنگ ۱۲ روزه و حوادث دی‌ماه گرفته تا جنگ ۴۰ روزه و همچنین جنایات رخ داده در مدرسه میناب و لامرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت پرداختن به حادثه لامرد تصریح کرد: موضوع حمله امریکا و صهیونیست‌ها به مدرسه لامرد باید به پرونده‌ای برای رسوایی امریکایی‌ها و حامیان و پشتیبانان آنها تبدیل شود. وی خاطرنشان کرد: جنایت امریکایی‌ها در لامرد کمتر از میناب نیست، چراکه به‌رغم همه ادعاهای حقوق بشری، از سلاح‌های ممنوعه و کشتار جمعی علیه کودکان استفاده کردند.

رئیس ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر

امریکایی، در ادامه نخستین جلسه این ستاد با اشاره به شهادت قائد شهید امت اظهار کرد: شهادت امام شهید ما یکی از بزرگ‌ترین جنایات امریکا بود و ایران و جهان اسلام، منتقم خون قائد شهید امت خواهند بود. وی افزود: از هفتم تیر و سالروز شهادت شهید بهشتی و یارانش تا طوفان مقاومت و عملیات نصر در روز گذشته، همگی حامل یک پیام واحد مبنی بر ایستادگی و مقاومت در مسیر ارزش‌های اسلامی است.

رئیس ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی تصریح کرد: آحاد ملت، نیروهای مسلح و مسئولان کشورمان، همان خطی را دنبال می‌کنند که شهید بهشتی با ارائه برای آن جاودانه شدند. ما وارث خون‌هایی هستیم که مظلومانه به شهادت رسیدند.

عزیزی با اشاره به جنایات امریکا در منطقه، گفت: جنایت‌های امریکا در غزه، ضاحیه، ایران و میناب باید محکوم شود و باید بپذیریم که به واسطه همین جنایت‌ها، مسئولیت‌های امروز ما سنگین‌تر شده است و باید به خوبی این جنایات را تبیین کنیم. وی ادامه داد: لازم است ابعاد جنایت‌های صورت گرفته در مدرسه میناب و لامرد برای افکار عمومی جهان تبیین شود. جنگ تحمیلی دشمن علیه ایران نیز ابعاد خباثت و جنایت‌کاری امریکا را برای جهانیان آشکار کرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: ما هنوز در دل جنگ هستیم و این تصور که جنگ به پایان رسیده، تصور درستی نیست. در عین حال، در آستانه یک پیروزی بزرگ قرار داریم و باید این پیروزی ملت ایران به‌درستی تبیین و روایت شود. وی با اشاره به ضرورت پیگیری حقوقی جنایات امریکا و رژیم صهیونیستی اظهار کرد: به واسطه جنایات رژیم صهیونیستی و امریکای جنایتکار، لازم است امسال به سمت راه‌اندازی یک دادگاه جهانی و بین‌المللی حرکت کنیم تا عاملان و سردمداران این جنایات به دنیا معرفی شوند. عزیزی افزود: باید به جهان ثابت کنیم که تشکیل یک دادگاه بین‌المللی و مردمی علیه امریکا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. افکار عمومی جهان آمادگی چنین اقدامی را دارد و باید در این مسیر گام برداریم. وی خاطرنشان کرد: باید به جهانیان نشان دهیم که حقوق بشر برای امریکایی‌ها صرفاً ابزاری برای سلطه و ظلم علیه بشریت است و در مقابل، جمهوری اسلامی ایران هم مدعی و هم حامی حقوق ملت‌های مظلوم است.

عزیزی تأکید کرد: باید به سمت تدوین کیفرخواست علیه منشأ و مبدأ ترور، یعنی امریکا حرکت کنیم و نشان دهیم که جمهوری اسلامی ایران، در عین آنکه خود قربانی تروریسم است، همواره در کنار مظلومان ایستاده و از آنان حمایت کرده است.

رئیس ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی همچنین به اقدام روز گذشته جمهوری اسلامی ایران در حمایت از لبنان و حمله به رژیم صهیونیستی اشاره کرد و گفت: اقدام روز گذشته ما در حمایت از لبنان نشان داد که جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جبهه مقاومت ثابت‌قدم است.

رئیس ستاد مرکزی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر امریکایی در جمع‌بندی این نشست گفت: لازم است وزارت دادگستری و با محوریت قوه قضائیه، پایه‌گذار راه‌اندازی دادگاه بین‌المللی مجازی با حضور هیئت منصفه نخبگانی از همه کشورهای دنیا و ایران شود. وی توضیح داد: در این دادگاه می‌توان از همه کشورها برای حضور به صورت مجازی دعوت کرد تا نگاه بین‌المللی به جنایات امریکا داشته باشیم. می‌توان در این دادگاه از سفرای کشورها و نمایندگانی از کشورهای خارجی نیز دعوت کرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفت: امریکا بداند رسوای عالم شده و ما آنها را برای جنایات در دو جنگ اخیر و سال‌های گذشته رها نخواهیم کرد.

وی با تأکید بر لزوم استفاده از ظرفیت پارلمان‌های کشورهای مختلف برای افشای جنایات امریکا، گفت: ما با تمام رؤسای کمیسیون‌های سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی دنیا ارتباط داریم و آنچه را تحت عنوان جنایات امریکا در این سال‌ها رخ داده است، به پارلمان‌های دنیا منعکس کردیم.

گزیده خبر

معاون اول رئیس‌جمهور:

دشمن پس از عملیات «نصر» برای توقف آتش به التماس افتاد

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در پیامی تأکید کرد که دشمن پس از عملیات «نصر» برای توقف آتش به ایران التماس کرد.

معاون اول رئیس‌جمهور در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: دشمن در کوتاه‌ترین زمان ممکن ضرب‌شست غیرت و تخصص فرزندان این مرز و بوم را چشید و ناچار به التماس مجدد برای پذیرش توقف آتش از سوی ایران شد. وی افزود: عملیات نصر، تراز جدیدی از بازدارندگی ایران مقتدر را به رخ کشید. عارف همچنین تأکید کرد: ما طالب جنگ نیستیم، اما در پاسداری از خاک و ارزش‌هایمان لحظه‌ای درنگ نخواهیم کرد.

در پی تجاوزات و شرارت‌های رژیم سفاک صهیونیستی در جنوب لبنان و منطقه ضاحیه که با حمایت امریکای جنایتکار صورت گرفت، نیروهای مسلح مقتدر جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از مردم مظلوم لبنان، پاسخی دردناک به این رژیم دادند.

تقدیر سپاه از مداحان و هنرمندان حاضر در کنار مردم مبعوث شده

یکصد روز از درخشش بی‌نظیر ملت مؤمن و شجاع ایران می‌گذرد؛ بعثتی الهی که جهان را شگفت‌زده کرد و زورگویان مستکبر را در مقابل اراده ملتی بصیر و مقاوم تسلیم کرد.

به گزارش سپاه نیوز، فرماندهی کل سپاه در پیامی از مداحان و هنرمندان حاضر در میدان تشکر کرد. در پیام فرماندهی آمده است: یکصد روز از درخشش بی‌نظیر ملت مؤمن و شجاع ایران می‌گذرد. بعثتی الهی که جهان را شگفت‌زده کرد و زورگویان مستکبر را در مقابل اراده‌ی ملتی بصیر و مقاوم تسلیم کرد و ان‌شاءالله پاداش این ایستادگی بی‌مثال، گشایش و فرج برای بشریت و هموار شدن مسیر حاکمیت قسط و عدل بر جهان خواهد بود. در این حماسه ماندگار، ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام و هنرمندان متعهد، از ارکان اصلی حضور با نشاط و شورانگیز مردم بودند. ۲۲ ذی‌الحجه سالروز شهادت تجسم عشق و ایمان و منادی برجسته آزادی و عدالت و ولایت میثم تمار، اعلی الله مقامه، فرصتی مغتنم برای تجلیل از این سربازان سلحشور سپاه امام زمان (عج) است؛ همچنین آفرین بر شما مداحان، شاعران و هنرمندان متعهدی که در حماسه بعثت عظیم ملت ایران صمیمانه در کنار ملت خود بودید و عاشقانه پای آرمان‌های قائد شهیدمان ایستادید و شکوه و عظمت این قیام را دوچندان کردید. حشر با حیدر کرار، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و جایگاهی چون میثم تمار نصیبتان باد.

سردار اصانلو:

دشمن نمی‌تواند اراده مردم را بشکند

شرایطی در منطقه شمال غرب ایجاد شده که مردم و ظرفیت‌های بومی آن به سطح قابل توجهی از خودکفایی رسیده‌اند و دشمن دیگر امکان نفوذ و اثرگذاری در این منطقه را ندارد.

سردار محمدتقی اصانلو، فرمانده سابق قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفت‌وگو با فارس با اشاره به نقش راهبردی منطقه شمال‌غرب کشور در مقابله با تهدیدات امنیتی گفت: منطقه شمال‌غرب از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی همواره یکی از محورهای اصلی تلاش دشمن برای ایجاد ناامنی و به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی بوده است. وی افزود: دشمنان انقلاب اسلامی طی سال‌های گذشته با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف تلاش کردند از مسیر شمال‌غرب کشور به اهداف خود دست پیدا کنند، اما مردم این منطقه بارها نشان داده‌اند که کشور و انقلاب را به آسانی از دست نخواهند داد و در برابر هرگونه توطئه ایستادگی می‌کنند.

فرمانده سابق قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) با اشاره به اقدامات انجام شده برای تثبیت امنیت پایدار در این منطقه تصریح کرد: از سال ۱۳۹۰ برنامه‌ها و اقدامات گسترده‌ای برای تبدیل شمال‌غرب به منطقه‌ای مستحکم، امن و غیرقابل نفوذ آغاز شد که شهید پاکپور از پیشگامان و مؤثرترین افراد در اجرای این مأموریت بود و با تمام وجود به‌دنبال این بود تا اقدامی در این منطقه انجام دهد تا یک دژ مستحکم و شکست‌ناپذیر در این منطقه ایجاد شود.

سردار اصانلو خاطرنشان کرد: مردم منطقه شمال‌غرب در جریان جنگ تحمیلی رمضان بار دیگر اثبات کردند که هرگز فریب دسیسه‌ها و تبلیغات امریکا و دشمنان را نخواهند خورد و با تکیه بر توانمندی‌های خود در برابر تهدیدات ایستاده‌اند. وی تأکید کرد: امروز شمال‌غرب کشور روی پای خود ایستاده است و حتی اگر دشمن صدها بار دیگر نیز دست به توطئه بزند، مردم این منطقه با اقتدار از امنیت و ثبات کشور دفاع خواهند کرد.

فرمانده سابق قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) ادامه داد: شرایطی در منطقه ایجاد شده که مردم و ظرفیت‌های بومی آن به سطح قابل توجهی از خودکفایی رسیده‌اند و دشمن دیگر امکان نفوذ و اثرگذاری در این منطقه را ندارد. سردار اصانلو در پایان گفت: هیچ‌گونه خللی در اراده مردم شمال‌غرب ایران ایجاد نخواهد شد و امنیت و اقتدار این منطقه با اتکا به مردم و نیروهای مدافع کشور همچنان حفظ خواهد شد.

ویلای علی کریمی به نفع مردم توقیف شد

در پی حمله دشمن صهیونیستی - امریکایی به کشور در طول جنگ رمضان، با دستور قضایی اموال تعداد زیادی از خائنان به وطن و مردم که از عناصر وابسته به رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم هستند، در راستای حفظ حقوق عامه و اجرای قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی علیه امنیت و منافع ملی به نفع مردم شناسایی و توقیف شده است.

به گزارش خبرگزاری میزان، یکی از خائنان به وطن که فعالیت گسترده‌ای در حمایت از دشمن در سال‌های گذشته ویژه در جنگ‌های تحمیلی اخیر داشته، علی کریمی، بازیکن سابق فوتبال است که در هفته‌های گذشته با رصد اطلاعاتی بخشی از املاک وی در استان البرز شناسایی و توقیف شده بود. به تازگی نیز اموال جدیدی از علی کریمی شناسایی و دستور توقیف آنها صادر شده است. براساس این گزارش، ملک شناسایی شده از این فرد یک ویلای سه طبقه به متراژ ۱۱۵۰ مترمربع، دارای ۶۰۰ متر مربع عیانی در شهرستان لاهیجان استان گیلان است. همچنین از این فرد چندین خط تلفن همراه با شماره‌های رند شناسایی شده است. بر این اساس، پیش از این نیز دو واحد تجاری و چهار واحد مسکونی از علی کریمی شناسایی و به دستور قضایی به نفع مردم توقیف شده بود که یکی از املاک شناسایی شده یک پلاک ثبتی شامل دو واحد تجاری و چهار واحد مسکونی است.